

بقلم : ۱ نیکو همت

## کمال الملک



کاشان یکی  
از شهرهای  
هنر پرور  
باستانی  
ایرانست که  
از روزگاران  
دیرین رجال  
نامی و دانش-  
پژوهی رادر  
دامان خود  
پرورش داده  
که هر کدام  
در فنون و  
هنرهای خود  
شهره آفاق  
بوده‌اند و  
همین مردان  
نام آور و  
هنرمند با  
انجام کار-  
های بزرگه  
و ایجاد ابنیه

مهم تاریخی و آثار گرانبهای هنری و ذوقی خدمات مهمی بفرهنگ و ادب و هنر  
این سرزمین کهنسال نموده‌اند و با آفرینش شاهکارهای هنری و فرهنگی و علمی  
نام ایران و ایرانی را در جهان پر آوازه ساخته‌اند .

یکی از خانواده‌های قدیمی و اصیل کاشان سلسله شریفه غفاری است که نسب آنان به ابوذرغفاری ازصحابه گرامی حضرت محمد مصطفی ص ( متوفی بسال ۲۶ هجری قمری ) می‌رسد .

شخصیت‌های ارزنده این خاندان خاصه ازدوران حکومت زندیه وقاجاریه درکاشان وقم وبسیاری ازنقاط دیگرایران مصدر خدمتهای مهم بوده‌اند و از میان معاریف آنان می‌توان افراد نامداروهنرمند و دانشخواهی چون میرزا ابوالحسن نقاش صاحب تاریخ گلشن مراد ، فرخ خان امین‌الدوله ، محمود خان احتسلب‌الملک ، نظام‌الدین مهندس‌الممالک ، ابوالحسن صنیع‌الملک و میرزا ابوتراب غفاری نقاشباشی را نام بردکه غالباً در ایجاد نقاشی به شیوه‌های نوین خدمات ارزنده‌ای بمالم هنروفرهنگ این مرزوبوم کرده‌اند .

محمد غفاری معروف به کمال‌الملک ، فرزند میرزا بزرگ کاشانی از میان این خاندان هنرآفرین وچهره‌پردازبرخاسته که بسهم خود در تجدید حیات هنرنقاشی باسلوب نومتحمّل زحمات واهتمام فوق‌العاده بوده وبآفرینش تصاویردلکش بهنر چهره نگاری ونقاشی جان تازه‌ای بخشیده است .

مولدوی روستای کله‌ازتوابع سردسیرشهر کاشانست . تولدش را درسال ۱۲۶۴ هجری قمری نوشته‌اند ولی مرحوم دکترقاسم غنی ( متوفی فروردین ۱۳۳۱ ش ) نوشته است که کمال‌الملک بطورتحقیق سال تولد خودرا نمی‌دانسته است . ( ۱ )

ذوق نقاشی وصورت نگاری ازهمان عنفوان کودکی در اعماق جان و روح اوعجین بود وبا بهره‌وری ازوجود نقاشان وچهره‌پردازان هنروروارجمند درخانواده وی این ذوق واستعداد روزبروزشکوفاترومتجلی تر می‌شد .

البته حمایت‌های بیدریغ میرزا بزرگ و میرزا عبدالحسین خان ( نقاشباشی ) صنیع‌الملک پدروعموی وی که هر دو ازنقاشان نام‌آوران روزگاران بودند در تابناک‌شدن و بارور ساختن قریحه هنری کمال‌الملک بسیار مؤثر بوده‌اند .

برادرهمتر کمال‌الملک میرزا ابوتراب غفاری نیزیکی ازمشاهیرنقاشان زبردست آن زمان بشمارمی‌رود . تصاویرروزنامه مشهوره شرف ، که با خط نستعلیق بطبع می‌رسیده از آثار اوست .

محمد غفاری پس ازطی تحصیلات مقدماتی درمسقط‌الرأس خویش سیزده ساله بودکه بتهران آمد ووارد مدرسه دارالفنون که ازمدارس مشهورآن دوره بودگردید ودرآنجا با آفرینش تابلوهای زیبا وتصاویردلکش و نقاشی‌های تحسین آمیزمورد توجه اولیای مدرسه گردید .

یکی ازتابلوهای سیاه قلم این نقاش جوان درآن زمان صورت نگاری:ز

علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه وزیر علوم بود که مدتی هم اداره امور مدرسه دارالفنون به عهده وی محول بوده است .

مقارن این احوال روزی ناصرالدین شاه از مدرسه دارالفنون دیدن کرد و تصویر اعتضادالسلطنه را که باهتمام این هنرمند با استعداد و خوش ذوق ترسیم شده بود در آن مدرسه دید ، بحدی این تابلو زیبا و طبیعی و جالب تهیه شده بود که مدتی ناصرالدین شاه مجذوب آن شد و بی اختیار در برابر آن مدتی توقف کرد و از این حس حقیقتی و ابراز صمیمیت و سپاسگراری نسبت باین خادم دیرین فرهنگ بی نهایت خوشحال و مسرور شد و از میرزا علی اکبر خان مزین - الدوله استاد نقاشی دارالفنون سراغ این نقاش چیره دست را گرفت تا آنکه بفرمان شاه میرزا محمد غفاری بحضور ناصرالدین شاه بار یافت و مورد تقدیر خاص همایونی قرار گرفت و از آن پس جزو نقاشان عمارت شمس المماره درآمد و برای وی از طرف دربار مقرری و مستمری تعیین شد و روز بروز کار او بالا گرفت و بدربار شاهی تقرب یافت و بعدها بلقب « نقاشی » افتخار پیدا کرد و رفته رفته در میان مردم و هنردوستان شهرت و محبوبیت یافت و در این مدت تدریجاً موفق شد که در اثر استعداد خدادادی و شوق وافر غریزی خود تابلوهای نفیس زیادی که تعداد آنها را تا یکصد و هفتاد تابلو ذکر کرده اند بیافریند ( ۱ )

بسال ۱۳۱۰ بلقب « کمال‌الملک » شهرت یافت . این توفیق را روزنامه شرافت که از روزنامه‌های معروف دوران ناصری است چنین خبر داده :

« از امتیازات فاخره علمیه بنشانهای طلا و نقره مدرسه مبارکه دارالفنون نایل و از مواهب سلطنتی و امتیازات دولتی باعطای گل کمر مرصع و حمایل از درجات سر تیبی و خلاع فاخره از ملبس تن پوش همایون سلطنت و شالوهای گرانبها از نسیم کشمیر کراداً مباحی گردید ( ۲ ) .

این هنرمند جوان و با استعداد که روز بروز شاهد موفقیت‌های تازه‌ای بود کسی جز همان میرزا محمد کاشانی نبود که تدریجاً بین رجال و دانش - دوستان احترام و موقعیت فوق‌العاده یافت .

جذب و شوری که در نهاد کمال‌الملک فروزندگی داشت رفته رفته موجب آن شده که شاهکارهایی را بوجود آورد از جمله این هنر آفرینی‌ها آفرینش تابلوی زیبا و بی نظیر « تالار آئینه » است که با خلق آن نام کمال‌الملک همه جا بعنوان بزرگترین نقاش هنرمند و چیره دست بر سر زبانهای اهل فن و هنرافتاد در همین اوقات بمنظور تکمیل هنر ظریف نقاشی ناصرالدین شاه وسایل مسافرت کمال‌الملک را با اروپا فراهم کرد و این نقاش پرشور و با استعداد هم تحصیلات خود را در این رشته در آکادمی‌های نقاشی پاریس و رم دنبال کرد و آموزه‌های نقاشی و گالری‌های فرانسه و ایتالیا دیدار نمود و بخوبی بشیوه

مکتب‌های نقاشی اروپائی آگاه گردید .

کمال‌الملک در این مدت از روی بسیاری از نقاشی های نقاشان هنرمند اروپائی کپی برداری می‌کرد . این آثار طبق رأی صاحب‌نظران بدان پایه از طراوت و رنگ آمیزی و نفاست بود که چه بسا تمیز و تشخیص آثار اصیل نقاشان اروپائی از کپی‌ها کمتر امکان‌پذیر بود .

کمال‌الملک پس از آنکه بدقایق و ریزه کاریهای هنر نقاشی و تطور آن در مکتب‌های جدید و قدیم اروپائی آشنائی عمیق یافت با ایران آمد .

در سال ۱۳۲۸ قمری مدرسه صنایع مستظرفه بهمت میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک تأسیس شد و کمال‌الملک بمدیريت آن انتخاب گردید و در این زمان با نهایت علاقه و صمیمیت بهرورش استعدادهای پراکنده و نهفته صاحبان ذوق و هنرمندان پرداخت و مری و مشوق جوانانی با ذوق و هنرمند در فن نقاشی و هنرهای ظریفه گردید .

از میان این شاگردان با استعداد که همه در حد خود مایه افتخار این کشور می‌باشند می‌توان از هنرمندانی چون اسمعیل آشتیانی « شعله » ابوالحسن صدیقی ، علم‌محمد حیدریان ، حسین شیخ ، حسینعلی وزیری ، علی رخسار ، جمشید امینی و حبیب‌الله ابهری را نام برد که در هنرستان نقاشی کمال‌الملک بادامه تحصیل مشغول بوده‌اند و در هنرهای نقاشی و مجسمه سازی و موزائیک سازی و قالبیافی استعداد خود را بخوبی بمنصه ظهور و بروز رسانیده‌اند و هر کدام بمقام رفیع استادی نائل آمده‌اند .

از آثار نفیسی که از کمال‌الملک به یادگار مانده نمونه‌های زیادی را می‌توان نام برد که از آن میان تابلوی تالار آئینه کاخ گلستان در درجه اول اهمیت قرار دارد .

از میان سایر تابلوها تصاویر دختر یهودی ، فالگیر بغدادی ، زرگر بغدادی و شاگردش ، حکیم‌الملک حکیمی ، سردار اسمد بختیاری ، حوضخانه صاحبقرانیه ، میدان کربلا و تابلوهای نفیس دیگری را می‌توان نام برد که هر کدام در حد خود نمودار ذوق سلیم و دقیقه‌پردازی‌های خاص این استاد مسلم و نوآورد نقاشی ایران امروز است که هنر نقاشی ایران را با نقاشی رئالیسم اروپائی درهم آمیخته و مکنی جدید و بدیع در نقاشی اراکه کرده است که جاودانه نام او را در میان ارباب ذوق و دانشمندان و هنروران بلند آوازه ساخته است .

بیشتر تصاویر زیبایی این استاد عالی‌مقام در مجلس شورای ملی و کاخ گلستان نگاهداری می‌شود .

با اینکه شاگردان و علاقمندان استاد همواره گرد شمع وجود کمال - الملك در طواف بودند و از محضر پرفیض او بهره‌ها می‌بردند معاندان کوتاه نظر همواره روح حساس وی را متأثر می‌ساختند تا آنکه بسال ۱۳۰۰ خورشیدی از مقام ریاست هنرستان مدرسه صنایع مستظرفه استعفا کرد. محل این مدرسه که باغ بزرگی را تشکیل می‌داد در خیابانی قرار داشت که امروز بنام خیابان کمال‌الملک مشهور است و نزدیک میدان بهارستان واقع شده.

کمال‌الملک پس از استعفا از سمت خویش بملک شخصی خود واقع در حسین‌آباد نیشابور رفت و تا پایان عمر در همانجا بزیست و بالاخره در روز یکشنبه بیست و هفتم مرداد ماه در ساعت دو بعد از ظهر بسال ۱۳۱۹ شمسی جهان را بدرود گفت و در کنار آرامگاه شیخ عطار بخاک سپرده شد و در این زمان بیش از ۹۳ سال از عمر وی می‌گذشت.

چند سال پیش مقبره وی از طرف انجمن آثار ملی بطرز زیبایی تجدید ساختمان شده است.

از وقایع ناگواری که اواخر عمر برای هنرمند نامدار با فضیلت پیش‌آمد حادثه‌ای بود که منجر بشکسته شدن عینک و آسیب دیدن چشم کمال‌الملک شد و بالاخره سبب نابینایی او گردید.

پس از درگذشت او هنرمندان و نویسندگان و سخنوران و دوستداران تجلیات و تخیلات و عواطف انسانی، با برگزاری نمایشگاه‌ها و مجالس سخنرانی و نگارش مقالات و سرودن اشعار هنر و کمالات او را ستودند و شاگردان و پیروان مکتب او همه جا از او بنام هنرمندی بزرگوار و انسانی آزاده و متخلق بصفات ممتاز به نیکی یاد کردند.

در مثنوی معروف و دلکش «زهره و منوچهر» ایرج اشاره هم باین مرد بزرگ شده و گوینده در ستایش کلام موزون و شیوای خود گفته است:

گاه کمال‌الملک آرم پدید روی صنایع کنم از وی سفید

مرحوم حسین پرتوی بیضائی کاشانی در قصیده‌ای که درباره کاشان سروده از این نقاش نامی و هنرمند یاد کرده و گفته است:

کلك كمال ملك ، درپهنه كمال با چند تارموی ، شد سیف صف‌شکن

شادروان حسینعلی منشی کاشانی (متوفی آبان ماه ۱۳۴۹ شمسی) در قصیده‌ای که در توصیف شهر کاشان سروده ذکر می‌کند هم از صنایع‌الملک و کمال‌الملک کاشانی دو هنرمند بزرگ نقاشی ایران معاصر کرده و در باره آنان چنین سروده است:

هم صنایع‌الملک‌ها آورده است اندر وجود

هم کمال‌الملک‌ها پرورده است اندر کنار

این جانب هم در چکامه‌ای که بسال ۱۳۴۶ بعنوان (کاشانه کمال)

سرودهام درباره این مرد بزرگ گفته‌ام :

نقش آفرین « کمال » زکاشان گرفت نام

باد آفرین به آن قلم و کلک زر فشان

آقای شهریار نیز در وصف کمال‌الملک شعری سروده که ابیاتی از آن آورده می‌شود :

در دهی از دهات نیشابور	بسی از جاده تمدن دور
خفته کنجی بفرست دیدار	کنج خفته است و دولت بیدار
در سیوگی نهفته دریائی	یا بکنجی خزیده دنیائی...
حلقه بر در زدم و درواشد	قد چون سر و دوست پیدا شد
گفتم این دلستان دیرین است	آنکه جانم طلب کند این است
میخرا امید و سخت سنگین بود	کوه عز و وقار و تمکین بود
قد کشیده گشاده پیشانی	چهره چون به پیر توافشانی
همچو روحش تنی کلان و درشت	نظری تیز و ابروان پر پشت...
چشم چون زر گمیش بشکفته	زر گس دیگرش فرو خفته
این یکی چون چراغ عالمتاب	وان دگر همچو بخت من در خواب
چیده آن زر گس جهان بین است	چکنم روزگار گلچین است
آری این روزگار پر پیکار	با هنرمند کار دارد کار...
گرچه از درد جان ما را سوخت	لیکن آئین مردمی آموخت
عشق فرمان دستبوسی داد	حیف رخصت ندادمان استاد...
محضرش گرم بود و جان پرور	همچو آغوش مهربان مادر
سخنانش بدیع و دلکش و نفز	همه عرفان و حکمت و اندرز...